



گزارش چار دیواری از یک خانواده پر جمعیت در آبدانان ایلام

سفرهای برای ۵۰ نفر!



جایی در میان چین و شکن های زاگرس و در پهلوی راست ایران نشسته اند؛ سفره های به وسعت ۵۰ نفر پهن می کنند؛ دور هم می نشینند و غم و شادی شان را با هم تقسیم می کنند. سفره بهانه است. برکت زندگی شان در دست هایی است که به هم داده اند. درست در روزگاری که شاید تصور وجود یک خانواده بزرگ از ذهن هارخت بر بسته، خانواده جابری نژاد خلاف مسیر نشسته اند و انگار حال شان هم از خیلی ها که ترس در دسرهای فرزندان دارند بهتر است. دست کم «خانواده» هنوز هم معنای خودش را برایشان دارد.

سفره شان به بلندای دامن زاگرس کشیده شده. ساکن آبدانان هستند؛ چهارمین شهرستان پر جمعیت استان ایلام. جایی که یکی از نام های قدیمش «جولیان» بوده؛ البته نه آن معشوقه احتمالا فرانسوی رود کی: «بوی موی جولیان آید همی ...»

این خانواده بزرگ امروز تعدادشان به ۵۰ نفر رسیده است. می گویند بعد از زلزله آبدانان، پدر سالار این خانواده بزرگ یعنی «حاج آقا نریمان» فرزندان را گرد هم آورد و خودش را سالیانی کرد برای تندی های روزگار و چتر حمایتش را روی بچه ها کشید.

سپیده اشرفی

دور یک سفره!

حاج آقا نریمان چند سال قبل خانواده اش را این طور معرفی کرده بود: «تعداد ۱۲ فرزند و چهار عروس و پنج داماد و دوزن و ۲۰ نوه دارم که با توجه به صمیمیتی که در خانواده اینجا وجود دارد، بعد از گذشت ۴۰ سال از تشکیل زندگی توانسته ام فرزندان، عروس و دامادهایم را در کنار خودم سکنی دهم و بدون هیچ مشکلی باهم زندگی کنیم.»

او گفته بود: «از همان روزی که به خواستگاری می رویم یا برای دخترمان خواستگار می آید، می گویم اعتقادم بر این است که همه دور یک سفره غذا بخوریم. به بچه ها می گویم هزینه خورد و خوراک با من، شما پولتان را پس انداز کنید، با آن ماشین بهتر بخريد يا برای آینده که شاید بچه هایتان دوست نداشتند در این خانه زندگی کنند نگه دارید، اما تا وقتی با من زندگی می کنید، خرج غذا با من است.» هنوز هم بر همان روال زندگی می کنند.

مریم جابری پنجمین فرزند این خانواده بزرگ به چار دیواری می گوید: «صاحب خرج پدر هستند و ما مثل مهمان هستیم و خیلی نظر نمی دهیم. به احترام پدر با

اخلاق و روحیات هم کنار می آیم اما خود پدر هم خیلی باب میل فرزندان رفتار می کند. ما هم جزئیات را در نظر نمی گیریم و بیشتر با شوخی، اوقات را می گذرانیم.»

این عضو خانواده جابری از سفرهای دسته جمعی خانواده می گوید: «هر ساله سفرهای دسته جمعی داریم. تقریباً همه با هم هستیم. بیشتر مان به این سفرها می رویم. برخی اعضای خانواده ممکن است نتوانند بیایند، اما برنامه سرچایش است. به همه اعلام و بعد برنامه ریزی می کنیم.»

وی در خصوص سختی های هماهنگی برای چنین سفرهایی می گوید: «به برکت فضای مجازی حالا هماهنگی راحت تر صورت می گیرد. ما هم گروه خانوادگی در فضای مجازی داریم و در آن اعلام می کنیم. بخشی از سفرهایمان، گشت و گذار در داخل استان خودمان است. منطقه ما کوهستانی است. برای همین ماهی یکی دو شب به جنگل می رویم، چادر برپا می کنیم، شب در جنگل هستیم و غروب فراداش برمی گردیم. اما سفر خارج از شهر سالی یکی دو بار است که حداقل ۳۰ تا ۳۵ نفر همراه می شویم.»

سفرهای ۵۰ نفره

او چند سال قبل هم همین را گفته بود: «آخرین سفر

ما یک سفر زیارتی به کربلا بود که این امکان وجود نداشت تا همه ۴۴ نفر راهی این سفر شویم و ۱۵ نفره به کربلا رفتیم، اما پدر مدام احساس دلنگی می کرد و می گفت کاش بقیه را هم با خودمان می آوردیم. به خاطر همین می خواهیم از این به بعد جوری برنامه ریزی کنیم که همه با هم در یک زمان مرخصی بگیریم و به یک سفر دسته جمعی واقعی برویم.»

جابری این نکته را هم می گوید که این وابستگی در خانواده آنها قدری دست و پایشان را بسته است: «ما وابستگی مان خیلی بیشتر از دیگر خانواده هاست. خودمان هم حس می کنیم مانع پیشرفت مان شده. چند نفر مان توافق کردیم تهران زندگی کنیم اما باز هم می گویم با همه با هم برویم یا هیچ کس نرود.»

وابستگی هایشان زیاد بوده اما غم هایشان جایی برای ورود به خانه ندارد. مریم جابری می گوید: «نمی توانیم بدون هم سفر برویم. حتی اگر یکی از ما نوبت پزشک در یکی دیگر از استان ها داشته باشد، همه با هم می رویم.» البته تعریف های اینچنینی چیزی نیست که تنها توسط فرزندان خانواده بیان شود. همان چند سال قبل عروس بزرگ این خانواده هم زندگی در کنار چنین خانواده ای را مایه مباهات خود دانسته بود: «بیش از ۱۲ سال از عروسی ام می گذرد و هیچ وقت ندیده ام خانواده پدر شوهرم خدای ناکرده دچار کوچک ترین لغزشی شود و همین امر باعث شده عروس های این خانواده همدیگر را به عنوان خواهر صدا بزنند و برای کارهای خانه داری همیشه دوشادوش فرزندان این خانه تلاش کنند و مخارج زندگی بر دوش پدر خانواده نیست، بلکه هر کدام از فرزندان به زعم خود برای این خانواده هزینه می کنند.»

در یک برنامه جان نشدیم!

مریم جابری می گوید خانواده بزرگشان برنامه ای هم برای ثبت شجره نامه دارند. خانواده ای که به گفته خودش در یک برنامه تلویزیونی جانشند: «چندین بار در تلویزیون دعوت شدیم و گفتیم همه باهم باید بایستیم، حتی یک برنامه بود که صدلی برای همه مان نداشتند. نتوانستیم همه روی آنتن برویم. مجری برنامه هم از وضعیت جمع شدن بقیه خانواده در پشت دوربین خنده اش گرفته بود.»

از آن سال تا کنون، نزدیک به هشت نوه به آنها اضافه شده.

همسران حاج آقا نریمان هنوز هم کنار هم هستند و پایه های این خانواده ۵۰ نفره را همراه با پدر خانواده نگه داشته اند.

در روزگاری که شرق و غرب، فروپاشی خانواده را تبلیغ می کند و تک فرزندی ایده آل خانواده هاست، خانواده جابری یک مثال نقض برای تمام نگرانی هایی است که شاید در هر خانواده ای وجود داشته باشد. از قدیم وقتی صحبت از فرزند می شد، مادران این طور می گفتند که به تعداد بچه ها، قلب پدر و مادر تقسیم می شود.

قلب حاج آقا نریمان حالا با همین ۵۰ تکه روز به روز بیشتر تکتیر می شود. انگار خانواده شان را قلمه زده اند و هر بار از یک گوشه ای جوانه ای سر می زند و «جابری» ها را تکتیر می کند؛ تکتیری که می تواند مثالی برای تمام کسانی باشد که هنوز هم دست و دلشان برای داشتن فرزند بیشتری می لرزد و معنای «خانواده» را باور نکرده اند.



در روزگاری که شرق و غرب، فروپاشی خانواده را تبلیغ می کند و تک فرزندی ایده آل خانواده هاست، خانواده جابری یک مثال نقض برای تمام نگرانی هایی است که شاید در هر خانواده ای وجود داشته باشد. از قدیم وقتی صحبت از فرزند می شد، مادران این طور می گفتند که به تعداد بچه ها، قلب پدر و مادر تقسیم می شود. قلب حاج آقا نریمان حالا با همین ۵۰ تکه روز به روز بیشتر تکتیر می شود